

ملاحظات به کارگیری زنان پلیس در یگان ویژه پاسداران ناجا؛

بایدها و نبایدها

سمیه اصغر زاده^۱ و زهرا نوبهار^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۰۸

چکیده

زمینه و هدف: یگان ویژه ناجا مسئولیت مقابله با ناآرامی‌های خاص اجتماعی را بر عهده دارد؛ در مواردی که گروه‌های اغتشاش‌کننده زنان هستند، موضوعات فرهنگی و دینی جامعه ایران، حضور مردان را برای مقابله چندان نمی‌پذیرد. این مقاله موانع و الزامات تشکیل پلیس زن در یگان ویژه را بررسی می‌کند.

روش: پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی است و جنبه اکتشافی دارد. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش «گروه متمرکز» استفاده شده و جامعه مورد مطالعه خبرگان آگاه در دو حوزه پلیس زن و یگان ویژه هستند که حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت داشته‌اند. نمونه آماری به روش گلوله برفی تا اشباع نظری با ۲۰ نفر از خبرگان کامل شد. روایی پژوهش با معیارهای «باورپذیری»، «قابل دفاع» و «امانت‌دار بودن» و پایایی آن با بهره‌مندی از نظر خبرگان متعدد تأیید شد.

یافته‌ها و نتایج: پژوهش نشان داد که تشکیل پلیس زن یگان ویژه، موافقان و مخالفانی دارد. هر دو گروه استدلال‌هایی حول محور مسائل فرهنگی، تاریخی و دینی عنوان کردند. مهم‌ترین دلیل خبرگان موافق تشکیل پلیس زن یگان ویژه، ضرورت‌های جامعه کنونی به علت حضور بیشتر زنان جامعه در عرصه‌های اجتماعی نسبت به گذشته و امکان بروز اغتشاشات و اجتماعات از سوی این قشر و جایز بودن دفاع از اسلام در مبانی فقهی و تاریخی مطرح شد. مهم‌ترین دلایل مخالفان نیز، عدم تناسب مأموریت‌های یگان ویژه و آموزش‌های آن با موازین دینی، شرعی، طبیعت و فطرت، شرایط جسمی و روحی زنان است.

واژه‌های کلیدی: پلیس زن، یگان ویژه، موانع فرهنگی، ناآرامی اجتماعی، جنسیت

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: s_asgharzadeh@alumni.ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

امروزه مشارکت هر چه بیشتر مردم در تمام زمینه‌های اجتماعی از شاخص‌های عمده توسعه یافتگی یک کشور محسوب می‌شود. کسب شخصیت اجتماعی و شهروندی، وابسته به مشارکت و خارج شدن از دایره فعالیت‌های شخصی و خصوصی است و از این رو، امروزه کوشش در راستای توسعه همه‌جانبه هر کشوری بیش‌ازپیش متوجه مشارکت زنان شده است و جامعه ایران نیز دچار برخی بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده که نیازمند مشارکت همه‌جانبه مردم از جمله حضور زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور در عرصه عمومی جامعه است. حرکت اجتماعی زنان به‌عنوان یک جنبش جهانی معلول عواملی چون صنعتی شدن جوامع، ایجاد مشاغل صنعتی، خدماتی و اطلاعاتی بی‌نیاز از نیروی جسمانی بالا است. علاوه بر این، کاهش نرخ باروری و به‌تبع آن، افزایش اوقات فراغت زنان، تغییرات سبک زندگی، افزایش آگاهی‌ها، شناخت حقوق بشر و تلاش برای تحقق حقوق انسانی زن از عوامل تأثیرگذار در این جنبش هستند. بدین ترتیب، انتشار الگوهای خاص زندگی و گسترش اندیشه‌های فمینیستی در دنیا، زمینه‌ساز حرکت زنان سایر جوامع شده است. در میان زنان ایران معاصر نیز حرکتی آغاز شده که هدف آن بهبود وضعیت زنان است. این حرکت همانند سایر کشورهای در حال توسعه بیشتر در سطح نخبگان زن و محافل دانشگاهی در جریان است. منظور از نخبگان زن، زنان متصدی کرسی‌های دانشگاهی، نویسندگان زن و متصدیان مناصب دولتی رده بالا است (لرستانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳-۴۲).

در کنار آن، حضور زنان در سایر رفتارهای جمعی در سطح جامعه نیز رو به فزونی است. به‌عنوان نمونه، حضور زنان در تجمع فوت مرتضی پاشایی، تجمع زنان در اعتراض به حضور زنان در ورزشگاه، گردهمایی زنان کارگر در اصفهان، تجمع فعالان حقوق زن که پس از انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری شکل گرفت و غیره را می‌توان نام برد. در صورتی که چنین اجتماعاتی از مسیر قانونی خود خارج شود، پلیس به‌عنوان حافظ نظم و امنیت داخلی کشور موظف به برخورد با این ناآرامی‌ها خواهد بود.

در جمهوری اسلامی ایران یگان‌های ویژه ناجا مسئولیت اصلی مقابله با هرگونه ناآرامی‌های اجتماعی را بر عهده دارد. مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، اغتشاش و شورش و حرکت‌های محل امنیت کشور، حفاظت و برقراری امنیت اجتماعات تشکلی و راهپیمایی‌های قانونی، تأمین امنیت مسابقات و همایش‌های مجاز و جلوگیری از هرگونه راهپیمایی و اجتماعات غیرمجاز بنا به دستور مقامات مربوطه از جمله وظایف مهم یگان‌های ویژه ناجا به شمار می‌رود و این یگان موظف است با رعایت اصول اخلاقی و حقوق شهروندان هنگام انجام مأموریت، برنامه‌ریزی‌های لازم را در خصوص تجمع‌کنندگانی

که به لحاظ فیزیکی و جسمی مشکل دارند، افراد مسن و کودکان و همچنین، مواجهه با زنان حاضر در این اجتماعات انجام دهد. به علت نبود پلیس زن در مأموریت‌های یگان ویژه، مواجهه با اجتماعات زنان مشکلات مختلفی را در مسیر مأموریت مردان قرار داده است و آن‌ها را با چالش‌های فقهی، حقوق بشری، رسانه‌ای و غیره مواجه ساخته و از سویی، شغل پلیسی در اکثر کشورهای دنیا جزء مشاغل مردانه محسوب می‌شود که به کارگیری زنان در آن به دلیل تفاوت‌های طبیعی فیزیکی و روانشناسی بین زن و مرد مورد بحث است و وجود فرهنگ دینی و ایرانی حاکم بر کشور ایران در خصوص نحوه حضور و فعالیت زنان در جامعه و حفظ حرمت و کرامت آنان نیز بر این شائبه بیشتر دامن می‌زند. بر این اساس، ضروری است تا قبل از به کارگیری زنان پلیس در مأموریت‌های یگان ویژه ابعاد حضور آنان با دریافت دیدگاه افراد موافق و مخالف مورد بررسی قرار گرفته تا مسئولان امر بتوانند با برنامه‌ریزی مناسب، حضور کارآمد و شایسته پلیس زن را در یگان ویژه برنامه‌ریزی کرده و زمینه‌های کارایی آن را پیش‌بینی کنند. در راستای مطالب ارائه شده، این پژوهش قصد دارد به سه پرسش زیر پاسخ دهد:

- ضرورت به کارگیری پلیس زن در یگان ویژه از دیدگاه نخبگان چیست؟

- از دیدگاه نخبگان، مشکلات حضور پلیس زن در یگان ویژه چیست؟

- پیشنهاد‌های نخبگان برای به کارگیری کارآمد پلیس زن در مأموریت‌های یگان ویژه چیست؟

پیشینه پژوهش: با محوریت موضوع تخصصی زنان پلیس پژوهش‌های زیادی انجام نشده و البته موضوع در مورد پلیس زن در یگان ویژه بسیار خاص‌تر است. در ادامه، به برخی پژوهش‌های نسبتاً مرتبط با پژوهش حاضر اشاره می‌شود.

نوری (۱۳۹۰) در پژوهش خود با مطالعه تجربیات سایر کشورها، به نقاط قوت و امتیازهای به کارگیری پلیس زن و محدودیت‌های شغلی پلیس زن در حوزه مبارزه با مواد مخدر در جهان پرداخته است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که زنان پلیس به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون مدیریت در موقعیت‌های خشونت‌آمیز، پتانسیل به کارگیری مهارت‌های ارتباطی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی زنان چون انعطاف، اعتمادبه‌نفس، بیانگری و خلاقیت می‌توانند در اجرای قوانین، بهبود سیمای پلیس در بین مردم، افزایش کارایی افسران پلیس، کاهش تنش موجود در فضای جامعه و موارد مشابه نقش مؤثری ایفا کند. صالحی (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان «پلیس زن در دنیا» را انجام داده است. نتایج پژوهش وی نشان داده که هنوز هم نابرابری زیادی در بین زنان و مردان در نیروهای پلیس جهان وجود دارد و هیچ کشوری از اختصاص ۱۴ درصد کل کارکنان شاغل به زنان در نیروی پلیس فراتر نرفته است. به‌علاوه

در میان کشورهای اسلامی، پلیس زن صفر تا ۹ درصد از کل نیروی پلیس را تشکیل می‌دهد که به مراتب کمتر از کشورهای غیر اسلامی است (نادر پور، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰). پسند (۱۳۸۸) در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی نگرش شهروندان زن تهرانی درباره نقش پلیس زن در امنیت اجتماعی» نشان داده که حضور زنان پلیس در جامعه، امنیت جانی و روانی شهروندان زن تهرانی را به دنبال داشته و در امنیت اجتماعی آنان نیز مؤثر بوده است. همچنین، حضور زنان پلیس در جامعه موجب رضایت‌مندی شهروندان زن تهرانی از خدمات زنان پلیس در جامعه شده است که به تبع آن، منزلت اجتماعی زنان پلیس نیز در نزد شهروندان زن تهرانی مطلوب ارزیابی شده است. عزیزی (۱۳۸۷) در مطالعه خود با عنوان «ضرورت وجود پلیس زن و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی» که با روش پیمایشی انجام گرفته بود، دریافته که ۵۹/۵ درصد جامعه پژوهش معتقدند که زنان پلیس از عهده مأموریت‌های محوله برمی‌آیند. در مطالعه مشابه دیگری، نوید نیا (۱۳۸۶) نیز نشان داده که چون مخاطبان پلیس زن را در ایران، زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، موفقیت پلیس زن در گرو توجه به زمینه‌هایی است که در بستر تعاملات کودکان و زنان شکل می‌گیرد و مطالبات و تقاضاهای امنیتی مختلفی را با مردان ایجاد می‌کند.

مبانی نظری: مسئله اشتغال زنان که از قرن نوزدهم میلادی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح شده، در دهه‌های اخیر به یکی از مباحث چالش‌برانگیز در میان افکار مختلف تبدیل شده و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص نوع مشاغل قابل احراز توسط زنان در اجتماع وجود دارد. آنچه باعث شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت شده مفاهیم جنس و جنسیت است که نوع نگاه به این دو مفهوم، نوع تفکر نسبت به نحوه کار این قشر از جامعه را در محیط اجتماعی رقم زده است.

مفهوم جنس و جنسیت، در دیدگاه مکاتب غربی با همدیگر قرابت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. اولی از مفاهیم واقعی بوده و حکایت از ویژگی‌های طبیعی زن و مرد دارد. از این‌رو، تفاوت‌های جنسی بیانگر تفاوت‌های کالبدی و فیزیولوژیکی زن و مرد است؛ اما جنسیت یک مفهوم اعتباری است در توصیف مجموعه‌ای از صفات و رفتارهای زنانگی و مردانگی که ساخته و پرداخته جامعه است، به کار می‌رود (مایکل پین، ۱۳۸۲، ص ۲۵۳). تفاوت‌های جنسیتی اشاره به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی، دینی و غیره مردان و زنان دارد. جنس افراد با گذشت زمان هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند؛ اما جنسیت به مرور زمان تحت تأثیر تغییرات اجتماعی قرار گرفته و متحول می‌شود. جنسیت می‌تواند آموخته شود یا

ممکن است بین فرهنگ‌ها و جوامع مختلف متنوع باشد (پاملا آبتوت^۱ و کلر والاس^۲، ۱۳۸۰، ص ۳۱۵). با این حال، برخی پژوهشگران بین تفاوت‌های زیست‌شناختی مردان و زنان از یک سو و فرضیه های اجتماعی مربوط به مردانگی و زنانگی از سوی دیگر، ارتباط برقرار کرده‌اند (روباتام^۳، ۱۳۸۷، ص ۱۶). افلاطون در کتاب جمهوریت درباره تفاوت زن و مرد با صراحت ادعا می‌کند که زنان و مردان دارای استعدادهای مشابهی هستند و زنان می‌توانند همان وظایفی را عهده‌دار شوند که مردان بر عهده می‌گیرند و از همان حقوقی بهره‌مند شوند که مردان از آن بهره‌مند هستند (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۶۶). وی معتقد است همان‌گونه که به مردان تعلیمات جنگی داده می‌شود، به زنان نیز باید داده شود. همان‌گونه که مردان در مسابقات ورزشی شرکت می‌کنند، زنان نیز باید شرکت کنند. در عین حال، وی اعتراف می‌کند که زنان از مردان، چه در نیروهای روحی و دماغی، چه در نیروهای جسمی ناتوان‌ترند؛ یعنی تفاوت زن و مرد را از نظر کمی می‌پذیرد، هرچند مخالف تفاوت کیفی آن‌ها از لحاظ استعدادها است (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۷۵).

ارسطو نیز معتقد است که تفاوت زن و مرد تنها از جنبه کمی نیست، بلکه از جنبه کیفی نیز این دو متفاوت‌اند. او مدعی است که نوع استعدادهای زن و مرد متفاوت‌اند و وظایفی که قانون خلقت به عهده هر یک از آن‌ها گذاشته و حقوقی که برای آن‌ها خواسته، در قسمت‌های زیادی با هم تفاوت دارند. به عقیده ارسطو، فضایل اخلاقی زن و مرد نیز در بسیاری از قسمت‌ها متفاوت‌اند. دیدگاه‌های ارسطو تا دهه ۱۹۷۰ در میان اندیشمندان و صاحبان نظریه، مثل فرانسیس بیکن^۴، دکارت^۵، نیچه^۶ و روسو^۷ مورد توجه بود و از این سال به بعد، طرفداران نظریه برابر نگرانه به زنان تحت عنوان «نهضت اجتماعی زنان» و به صورتی برنامه‌ریزی شده به مخالفت با پیشینیان پرداختند (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۰). در جدول ۱ می‌توان دیدگاه‌های موجود درباره رابطه شغل و جنسیت را مشاهده کرد.

-
1. Pamela Abbott
 2. Claire Wallace
 3. Robotom Sheila
 4. Francis Bacon
 5. Rene Descartes
 6. Friedrich Wilhelm Nietzsche
 7. Jean-Jacques Rousseau

جدول ۱. دیدگاه‌های موجود درباره رابطه شغل و جنسیت

دیدگاه	نظریه
دیدگاه نئو کلاسیک	به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابجایی در کار متوسل می‌شوند
دیدگاه تجزیه شدن بازار کار	مشاغل را به دو دسته تقسیم می‌کند. مشاغل دسته اول از لحاظ مزد و فرصت‌های پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارد. در مقابل، دسته دوم با مزد پایین، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت مواجه است. حتی اگر کیفیت کاری زن و مرد پیش از ورود به عرصه شغل برابر باشد، احتمال به کار گماردن مردان با فرض داشتن ثبات شغلی در مشاغل اولیه بیش از زنان است.
دیدگاه جنسیتی	موقعیت تابع بودن زنان در بازار کار و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک نظام کلان اجتماعی است که در آن زن تابع مرد است. در این دیدگاه، کار خانگی به‌ویژه مراقبت از کودکان به زنان اختصاص دارد و زنان متأهل مسئولیت خود در خانواده و منزل را در انتخاب شغل دخالت می‌دهند. همچنین، مزاحمت‌های جنسی در جداسازی مشاغل مؤثر بوده و تلاش‌های زیادی که برای ورود زنان به قلمروی مشاغل مردانه صورت می‌گیرد، خنثی می‌شود.
دیدگاه کنش متقابل و نهادی	تبعیض جنسیتی ناشی از موانع نهادینه شده بین مشاغل زنانه و مردانه است. در این دیدگاه، چگونگی انتخاب شغل از سوی افراد به عملکرد کارفرمایان و ساختار فرصت بستگی دارد تا به انتخاب خود کارکنان.
فمینیست‌های اولیه	آنچه فمینیست‌ها در موج اول برای آن مبارزه کردند حقوق اولیه‌ای بود که برای همه انسان‌ها قابل تصور است. ولستون کرافت، هریت تیلور و جان استوارت میل معتقد بودند عدم حضور زنان در عرصه عمومی، به علت عدم داشتن تخصص‌های کافی در این حوزه است.
فمینیست‌های لیبرال	آن‌ها با درک موقعیت فرو دستانه زنان در بازار کار، متوجه شدند به علت زن بودن از بسیاری موقعیت‌های شغلی محروم شده‌اند و تمام تلاش خود را برای تغییر قانون گذاشتند. با وجود این، به نظر می‌رسید نوعی قانون نانوشته، زنان را از حرکت به جلو باز می‌دارد و به صورت یک «دیوار شیشه‌ای» آنان را در برگرفته است. به این ترتیب، گستره دید خود را از تغییر قوانین به سوی واقعیت‌های جاری اجتماعی سوق دادند و به دنبال دستیابی به دلایل وقوع این پدیده در درون فرهنگ‌ها و جوامع مولود نابرابری گشتند.
دیدگاه فمینیستی مارکسیست	به رابطه نابرابر زنان در موقعیت‌های شغلی توجه داشته و زنان را به صورت تک‌بعدی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و تنها منظر حائز اهمیت برای ایشان همان وجه شغلی و شرایط نابرابر در این نظام ناعادلانه است.
فمینیست‌های سوسیالیست	فمینیست‌های سوسیالیست نیز راهی میان دیدگاه‌های فمینیست‌های مارکسیست و رادیکال برای خود گشودند و با تلفیق نظریات آن‌ها نابرابری‌های جنسی را متأثر از دو یا چند عامل توأم دانستند. در این رویکرد نیز تلاش شده مشکلات زنان در بازار کار نابرابر، بررسی و مورد تحلیل قرار گیرد.
فمینیست‌های رادیکال	به نظام ناعادلانه جنسی باور داشتند. از نظر آن‌ها، مردان دشمنان تاریخی زنان هستند و طبیعی است که این دشمنی در حوزه اشتغال نیز به انحاء مختلف بروز کند. اگر زمینه‌های اصلی این دشمنی از بین برود، قطعاً نه فقط در بازار که در کلیه عرصه‌های زندگی شرایط عادلانه‌ای برای زنان فراهم خواهد شد.
فمینیست‌های پست مدرن	به خردگرایی قرن بیستم آشکارا اعتراض داشته و دیگر اشتغال یا نابرابری‌های شغلی را مطرح نمی‌کند. آن چه فمینیست‌های پست مدرن را به خود جلب می‌کرد مباحث و دغدغه‌های کلامی بود که برگرفته از نظریه‌های روان‌شناسان و زبان‌شناسان به تعریف فرهنگی مفهوم «زنانه» مطرح می‌شد.

در مباحث اسلامی مفهوم جنسیت، حاکی از نحوه هستی انسان بوده و به اصطلاح فلسفی، ما به ازای خارجی یا وجود مستقل ندارد، بلکه جنسیت به وجود موضوع (زن و مرد) خودش موجود است. وجودی جدا از موضوع و منشأ انتزاع خودش ندارد. همچون علت و معلول است که وجود جدا از آتش و آتش گیره ندارد (مصباح، ۱۳۸۳، ج ۱ درس ۲۴ و ج ۲، درس ۳۱). از دیدگاه اسلام، جنسیت تنها مسئولیت اجتماعی یا وظایف قانونی نیست، بلکه یک گرایش طبیعی است (صدر، ۱۴۲۱، ص ۹۷). در اسلام هر زمان معیار انجام کار تنها تجربه و تخصص باشد، آن مشاغل از نوع وظایف مشترک بین زن و مرد محسوب می‌شود. هرگاه جنس و جنسیت، علاوه بر تخصص، از شرایط شغلی باشد، در آن موارد کارها و مشاغل جنسیتی و اختصاصی می‌شود. یعنی ویژه زن و مرد است، جنس مخالف حق انتخاب و ورود به آن را ندارد یا دست کم برای خود آن صنف، مطلوبیت و شایستگی بیشتری دارد (نادری قمی و فهیمی، ۱۳۹۳، ص ۹۳).

پلیس زن در ناجا: پس از انقلاب اسلامی، با توجه به مأموریت‌های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و لزوم حضور زنان در مأموریت‌هایی که زنان مجرم یا آسیب‌دیده حضور دارند و لازم است موازین شرعی رعایت شود، نواقص قانون عدم به کارگیری زنان در مشاغل انتظامی شناسایی و برای رفع این مشکل، اصلاح تبصره ماده ۲۰ قانون استخدامی ناجا در سال ۱۳۷۷ در دستور کار مجلس قرار گرفت و حضور مجدد زنان در عرصه انتظامی از سال ۱۳۷۸ به صورت رسمی آغاز شد (دانشنامه پلیس، ۱۳۹۵). تبصره ماده ۲۰ قانون استخدامی ناجا پس از اصلاح چنین بیان می‌دارد که «نیروی انتظامی می‌تواند از خدمات پرسنل زن در مواردی از قبیل آزمون راهنمایی و رانندگی، بازرسی بدنی، صدور گذرنامه برای زنان، مبارزه با مفاسد اجتماعی در خصوص جرائم زنان و اداره زندان‌ها استفاده کنند و اولویت در این گونه مشاغل با کارکنان انتظامی زن است» (قانون استخدامی ناجا، ۱۳۷۷، ماده ۲۰).

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی است، جنبه اکتشافی دارد و با پرسش‌های مشخصی پیرامون الزامات به کارگیری پلیس زن در مأموریت‌های یگان ویژه انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش «گروه متمرکز»^۱ استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه، کلیه افسران، فرماندهان، روسا و اساتید مطلع در دو حوزه پلیس زن و یگان ویژه بوده‌اند که حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت در این حوزه را داشته‌اند. نمونه آماری به

1. focus group

روش گلوله برفی تا اشباع نظری با ۲۰ نفر از خبرگان کامل شد. تحلیل داده‌ها با پیاده‌سازی شده و استخراج مفاهیم از متن مصاحبه با خبرگان انجام شده است. روایی این پژوهش با معیارهای «باورپذیری»، «قابل دفاع» و «امانت‌دار بودن» (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱) مناسب ارزیابی می‌شود. همچنین، به دلیل بهره‌مندی مستمر، از نظر خبرگان حوزوی و دانشگاهی در کلیه مراحل و فرآیندهای این پژوهش، پایایی مورد انتظار برای یک پژوهش به‌خوبی تضمین و برآورده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در این قسمت ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه پژوهش ارائه می‌شود.

از میان پاسخ‌دهندگان، ۲۰ درصد زن و ۸۰ درصد مرد بودند. ۲۰ درصد صاحب‌نظران دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۸۰ درصد تحصیلات دکتری داشتند و همه آن‌ها حداقل ۱۰ سال در مشاغل خاص زنان فعالیت‌های اجرایی داشته و با نوع مأموریت‌های پلیس زن به‌طور کامل آشنایی داشتند یا در یگان ویژه خدمت کرده و مأموریت‌های این یگان را به‌خوبی می‌شناختند. همچنین، ۸۵ درصد آن‌ها عضو هیئت‌علمی بودند. ۵۰ درصد جامعه پژوهش را مدیران سازمان و ۵۰ درصد را اساتید دانشگاهی بدون مسئولیت اجرایی تشکیل دادند. همچنین، در مجموع ۷۰ درصد آن‌ها با تشکیل پلیس زن یگان ویژه موافق و بقیه مخالف بودند.

یافته‌های استنباطی: دلایل مخالفان، موافقان و پیشنهاد‌های نخبگان در ارتباط با تشکیل پلیس زن یگان ویژه در ادامه ارائه شده‌اند.

جدول ۲. دلایل نخبگان موافق برای ضرورت تشکیل پلیس زن در یگان ویژه

ردیف	مقوله	فراوانی
۱	حضور زنان در اغتشاشات خیابانی در سال‌های گذشته و لزوم حضور پلیس زن در انجام امور پلیسی به‌منظور جلوگیری از بروز آسیب‌های احتمالی برای مأموران مرد یگان ویژه در مواجهه با آن‌ها	۱۶
۲	جواز فقهی واجب بودن دفاع از اسلام بر زن و مرد	۴
۳	وجود نمونه‌هایی در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران از حضور زنان در جنگ و در دفاع از اسلام و در آینده به‌عنوان یاران امام زمان (عج)	۳
۴	در به‌کارگیری زنان در یگان ویژه حرمت شرعی وجود ندارد، بلکه جهت‌گیری‌های اجتماعی مانع هستند.	۱
	جمع کل	۲۴

در جدول ۲، در زمینه دلایل موافقان، بیشترین فراوانی برای ضرورت تشکیل پلیس زن یگان ویژه، به حضور زنان در اغتشاشات خیابانی و میدانی ورزشی برمی‌گردد که برای کنترل آن‌ها لازم است به لحاظ نوع مخاطب که زنان هستند از زنان پلیس بهره‌گیری شود. دلیل دیگر موافقان، وجود مجوزهای فقهی در دفاع از اسلام است. سایر دلایل موافقان نیز به وجود سوابق تاریخی در تاریخ اسلام و انقلاب نسبت به حضور زنان در دفاع از اسلام اشاره داشته و نیز عنوان داشته‌اند مانع شرعی در به کارگیری زنان وجود ندارد، بلکه مقاومت‌ها بیشتر به جهت‌گیری‌های اجتماعی در به کارگیری زنان مربوط است.

جدول ۳. دلایل مخالفت نخبگان با تشکیل پلیس زن در یگان ویژه

ردیف	گویه	فراوانی
۱	به کارگیری زنان پلیس در مأموریت‌های یگان ویژه (به لحاظ نوع مأموریت‌ها و خاص و ویژه بودن تجهیزات و لباس) با فرهنگ دینی ما سازگاری ندارد.	۵
۲	عدم تناسب بین شغل (خشن و مردانه بودن مأموریت‌های یگان ویژه) با شاغل (زنان پلیس) به لحاظ جنسی، جسمی، روانی، سنی و خلقت و فطرت و این تناسب سازی تربیت شدنی نیست و فطری و ذاتی است. برخی مشاغل ذاتاً زنانه و برخی ذاتاً مردانه است.	۵
۳	عدم برقراری تناسب بین مأموریت‌های یگان ویژه (طول زمان مأموریت و سختی کار) مسئولیت‌های زنان پلیس در خانواده به‌عنوان همسر و مادر	۱
۴	جنس آموزش‌های یگان ویژه مثل راپل و اسب‌سواری مردانه است.	۱
۵	نقش زنان در جنگ نقش حمایتی و مداوا گری بوده و زنان مسلح هم وارد خط مقدم و جنگ تن‌به‌تن نمی‌شدند.	۱
	جمع کل	۱۳

جدول ۳ که دلایل مخالفت نخبگان با تشکیل پلیس زن در یگان ویژه را ارائه می‌کند حاکی از آن است که دلیل اصلی و عمده مخالفت، عدم تناسب نوع مأموریت‌های پلیس در یگان ویژه با مبانی دینی بوده و لازمه حضور زنان در این مأموریت داشتن پوشش و تجهیزات خاصی است. همچنین، مخالفان معتقدند بین نوع شغل صرفاً مردانه پلیس یگان ویژه با جنسیت زنان به لحاظ فطری و ذاتی تناسبی وجود ندارد و به نظر می‌رسد به لحاظ فطری بودن این تفاوت، امکان متناسب‌سازی نیز وجود ندارد و باید مشاغلی به زنان داده شود که با فیزیک و روان و فطرت و طبیعت آنان سازگار باشد. سایر دلایل بیان شده نیز به مسئولیت‌های همسری و مادری زنان اشاره داشته و آن را مانعی در انجام مأموریت‌ها دانسته‌اند و نیز به مردانه بودن آموزش‌های مورد نیاز برای انجام مأموریت‌ها اشاره کرده‌اند. همچنین، به نقش حمایت‌گری زنان در عرصه‌های تاریخی و انقلاب در جنگ اشاره کرده‌اند و بیان کردند زنان در این

عرصه‌ها نیز در خط مقدم درگیری حضور نداشتند. در مجموع، اصلی‌ترین دلیل مخالفان، موانع دینی و شرعی و ویژگی‌های جنسیتی و فطری زنان است.

جدول ۴. پیشنهاد نخبگان در مورد تشکیل پلیس زن در یگان ویژه

ردیف	گویه	فراوانی
۱	تشکیل کارگروه‌های مناسب و بهره‌گیری از نظرات زنان پلیس در بررسی و لایه‌بندی مأموریت‌ها و بررسی حضور زنان پلیس در لایه‌های مأموریتی، سپس تعیین زیرساخت‌های درون و برون‌سازمانی در کلیه ابعاد مأموریتی با انجام پروژه‌های پژوهشی برای جلوگیری از بروز آسیب و چالش و سوءاستفاده رسانه‌های غربی از نقاط ضعف؛	۱۷
۲	بازدید و انجام پژوهش در زمینه به‌کارگیری پلیس زن در یگان ویژه سایر کشورها اعم از مسلمان و غیرمسلمان در زمینه رفع چالش‌ها و موانع شغلی و مدیریت کار و خانواده و آینده‌پژوهی نیازهای به‌کارگیری پلیس زن با نگاهی به تحولات جامعه ما و جهان؛	۸
۳	تعیین مصادیق مأموریت‌های ضروری پلیس زن که امکان انجام مأموریت از سوی مردان وجود ندارد و نیز آموزش‌های موردنیاز برای انجام این مأموریت‌ها (راپل، موتورسواری، پرش و غیره) و اخذ مجوز حکومتی (استفتاء از مقام معظم رهبری) در قالب احکام شغلی (اعم از خیابانی، بیابانی، دریایی و هوایی)؛	۵
۴	همراهی پلیس مرد با پلیس زن با رعایت حریم شرعی در انجام مأموریت پلیس زن در برابر زنان اغتشاشگر و پلیس مرد در برابر اغتشاش‌گران مرد؛	۱
۵	اخذ مجوز حکومتی در مقابله مردان با زنان اغتشاش‌گر با این استدلال که اغتشاش زنان در جامعه استثنا است و در موارد استثناء همانند قاعده اضطراب می‌توان برخورد کرد، به‌جای به‌کارگیری پلیس زن در یگان ویژه به علت چالش‌های موجود؛	۱
۶	بررسی صدمات احتمالی وارده به پلیس زن با حضور در یگان ویژه و مقایسه با تأثیر حضور در یگان ویژه و اتخاذ تصمیم بر تشکیل یا عدم تشکیل [انتخاب بین بد (نبود پلیس زن در یگان ویژه) و بدتر (صدمه به پلیس زنان در یگان ویژه)]؛	۱
۷	تفاوت قائل نشدن بین مأموریت‌های زنان و مردان در یگان ویژه؛ مخاطب فرق می‌کند اما مأموریت‌ها یکی است. ایجاد تفاوت تخریب مأموریت و صوری و نمایشی شدن آن است.	۱
	جمع کل	۳۴

جدول ۴ پیشنهادهای نخبگان در مورد تشکیل پلیس زن در یگان ویژه را ارائه داده است. این جدول نشان می‌دهد که «تشکیل کارگروه‌های تخصصی با اخذ نظر از زنان پلیس»، «لایه‌بندی مأموریت‌ها و بررسی لزوم حضور پلیس زن در هر لایه مأموریت» و «تعیین زیرساخت‌های لازم درون و برون‌سازمانی برای انجام هر چه بهتر مأموریت‌ها»، از فراوانی بیشتری برخوردارند. «پژوهش و بازدید از پلیس زن یگان ویژه در سایر کشورها»، پیشنهاد برتر دیگر است که می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها نتایج بهتری به دست دهد. «اخذ استفتاء و مجوز حکومتی با تعیین مصادیق مأموریتی» هم پیشنهاد

دیگر نخبگان است. «همراهی پلیس زن و مرد در مأموریت‌ها»، «اخذ مجوز حکومتی برای مقابله مردان با زنان اغتشاش‌گر»، «بررسی صدمات احتمالی وارده به پلیس زن در این یگان» و «عدم تفاوت بین مأموریت‌های زنان و مردان در یگان ویژه» از دیگر پیشنهادها می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

یگان‌های ویژه ناجا مسئولیت اصلی مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی خاص را بر عهده دارد. آنچه مسئله برخورد با اجتماعات زنانه را برای یگان ویژه مشکل می‌سازد، وجود مشاغل پلیسی مردانه در این سازمان است و نیروهای آن را مردان پلیس تشکیل می‌دهند که این مسئله در مواجهه با اجتماعات زنانه مشکلات مختلفی را در مسیر مأموریت آنان قرار داده و آن‌ها را با چالش‌های فقهی، حقوق بشری، رسانه‌ای و غیره مواجه می‌سازد. در این راستا، در این مقاله برای تعیین ضرورت به کارگیری پلیس زن در یگان ویژه، نظر نخبگان مورد بررسی قرار گرفت. اهم دلایل موافقان، حضور زنان در اغتشاشات خیابانی و لزوم برخورد زنان پلیس با مخاطبان هم‌جنس خود، واجب بودن دفاع از اسلام بر زن و مرد در دیدگاه فقهی و سوابق تاریخی حضور زنان در جنگ برای دفاع از اسلام، وجود جهت‌گیری‌های اجتماعی و نه حرمت شرعی در به کارگیری آن‌ها است. مهم‌ترین دلایل مخالفان نیز به عدم تناسب بین مأموریت‌های پلیس زن در یگان ویژه با فرهنگ دینی و فطرت و ویژگی‌های جسمی و روحی روانی زنان، آموزش‌های موردنیاز برای انجام مأموریت‌ها و سایر مسئولیت‌های خانوادگی زنان و نیز توجه به نقش حمایتی زنان در جامعه مربوط است. از نخبگان خواسته شد تا پیشنهادهای خود را در این زمینه مطرح کنند که پیشنهادها نیز این موارد را شامل می‌شود: تشکیل کارگروه‌های تخصصی با حضور زنان پلیس و کارشناسان مربوط به منظور تعیین نوع و الزامات مأموریت‌ها برای به حداقل رساندن چالش‌ها، حضور پلیس زن صرفاً در مأموریت‌های کنترل اجتماعات و نه مأموریت‌های خشنی مانند کنترل اغتشاشات، بازدید از پلیس سایر کشورها و کسب تجربه و آینده‌پژوهی تحولات جهان، تعیین مصادیق مأموریتی و آموزشی برای اخذ استفتاء در قالب احکام شغلی، همراهی پلیس زن و مرد در اغتشاشات با رعایت حدود شرعی، اخذ مجوز حکومتی در مقابله مردان با زنان اغتشاش‌گر به علت چالش‌های حضور زنان پلیس در مأموریت‌های یگان ویژه، برآورد آسیب‌های احتمالی به پلیس زن در یگان ویژه، عدم ایجاد تفاوت بین مأموریت‌های زنان و مردان پلیس که باعث عدم اجرای درست مأموریت شود. آنچه در پایان باید عنوان کرد اینکه براساس یافته‌های پژوهش و نظریه‌های مرتبط با مشاغل زنان،

می‌توان به این نتیجه رسید که در مشاغل سختی چون یگان‌های ویژه هیچ‌یک از صاحب‌نظران این نوع مشاغل را به‌عنوان مشاغل درآمدزا تلقی نکرده‌اند و علت مخالفت آن‌ها در تجزیه بازار نیست و به زنان به‌عنوان موجودات فرودست نگاه نمی‌کنند که با پدیدهٔ سقف شیشه‌ای مواجه باشند و هیچ‌یک ورود یا عدم ورود زنان به این مشاغل را نابرابری و بی‌عدالتی جنسیتی معنا نکردند.

در میان تمام استدلال‌ها، دو موضوع فرهنگ ملی و مبانی دینی قدرت غالب بوده و در نظرات موافقان و مخالفان نمود داشت، به‌طوری‌که برخی از موافقان با استناد به مبانی شرعی، وجود سابقه‌های تاریخی، جواز دفاع و غیره را بیان می‌کردند و مخالفان نیز با استناد به همین منابع به فطرت زنانه، اولویت همسر داری و مادری، موانع حجاب در مأموریت‌های یگان ویژه اشاره کردند. در مبانی فرهنگی نیز برخی موافقان به افزایش حضور زنان در اجتماع و لزوم به‌کارگیری زنان پلیس برای رویارویی با این قشر جامعه اشاره داشتند و مخالفان نیز به مردانه بودن شغل یگان ویژه و ایجاد برچسب جنسیتی بر این شغل تأکید داشتند.

با توجه به مطالب فوق، به‌کارگیری زنان در یگان ویژه بدون انجام پژوهش‌های جامع و تعیین مصداق‌های مأموریتی زنان و رفع دغدغه‌های شرعی و فرهنگی کاری دشوار بوده و پذیرش آن از سوی جامعه به‌سختی انجام خواهد پذیرفت؛ زیرا مخالفت‌های بیان‌شده ریشه در تفکر ایرانی - اسلامی دارد.

پیشنهادها

مبتنی بر نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

- نظر نخبگان موافق و مخالف و پیشنهادهای مطرح‌شده، مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. به‌ویژه با تشکیل کارگروه‌های علمی و بهره‌گیری از نظرات زنان پلیس دخیل در مأموریت‌های ناجا، زیرساخت‌های درون و بیرون‌سازمانی در کلیهٔ ابعاد مأموریتی احصاء و راه‌کارهای رفع موانع پیش‌بینی شود.
- با دلایل مطرح‌شده از سوی نخبگان، آنچه نقطهٔ آغاز به‌کارگیری زنان در یگان ویژه است، تعیین مأموریت‌ها است و تا زمانی که مأموریت‌ها با مصداق روشن نشده و مجوزهای فقهی آن تعیین نشود، تعیین زیرساخت‌های آن از جمله ساختار، آموزش، تجهیزات، پوشش، دستورالعمل‌ها و قوانین و غیره نتایج مطلوبی نخواهد داشت.
- بسترهای لازم فرهنگی را قبل از به‌کارگیری زنان در این مشاغل آماده کرده و با انجام تبلیغات و غیره ذهنیت جامعه را نسبت به ضرورت حضور زنان در مشاغل سخت آماده سازند تا مانع از مقاومت‌ها و برچسب‌های نامناسب به این قشر شود.

- تجربیات زنان پلیس سایر کشورها را اخذ و نسبت به بومی‌سازی آن‌ها متناسب با فرهنگ و مبانی اسلامی اقدام شود.

منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۴). تفاوت زن و مرد از منظر روان‌شناسی و متون دینی. مجله معرفت. ۱۴(۹۷)، صص ۶۶-۷۶. بازایی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?ID=239783>
- پاملا، آبوت و کلر، والاس (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان. (منیژه نجم عراقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- پسنده، مریم؛ حسنی، قاسم؛ رفعتی اصل، سید عزیز و عبادی نژاد، سید علی (۱۳۸۸). بررسی نگرش شهروندان زن تهرانی درباره نقش پلیس زن در امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی. ۱(۱)، صص ۷۵-۹۲. بازایی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=690462&l=fa>
- تحقیقات جنایی (۱۳۹۵). پلیس زن؛ دانشنامه پلیس. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین. بازایی از: [Http://wiki.police.ir/news/m+tahgigatjenaei/16238](http://wiki.police.ir/news/m+tahgigatjenaei/16238)
- رویاتام، شیلا (۱۳۸۷). زنان در تکاپوی فمینیسم و اکنش اجتماعی (حشمت‌الله صباغی، مترجم). تهران: شیرازه.
- صالحی، علیرضا (۱۳۸۸). پلیس زن در دنیا. مجموعه مقالات همایش پلیس زن و توسعه امنیت عمومی. جلد اول. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۱). المدرسة القرآنیة. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
- عزیزی، مصطفی (۱۳۸۷). ضرورت وجود پلیس زن و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات نقش پلیس زن در امنیت عمومی. جلد اول. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- فقیهی، ابوالحسن و علیزاده، محسن (۱۳۸۴). روایی در تحقیق کیفی. فرهنگ مدیریت. ۳(۹)، صص ۵-۲۰. بازایی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=572947&l=fa>
- قانون اصلاح ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴(۱۳۷۷). مجلس شورای اسلامی.
- لرستانی، فریبرز (۱۳۸۲). جنبش‌های اجتماعی زنان ایران. فصلنامه پژوهش زنان. ۱(۶)، صص ۲۳-۴۲. بازایی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=741852&l=fa>
- مایکل پین (۱۳۸۲). فرهنگ اندیشه انتقادی (پیام یزدانجو، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه. تهران: امیرکبیر (نشر بین‌الملل).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ شانزدهم. تهران: صدر.
- نادر پور، محمدرضا (۱۳۸۸). پلیس زن از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- نادری قمی، محمدمهدی و فهیمی، رجب‌علی (۱۳۹۳). معرفی مشاغل جنسیتی از منظر اسلام. فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. ۱(۴)، صص ۷۷-۹۸. بازایی از: <http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1364440&l=fa>